

معرفی و بررسی زیغنون‌نامه: حماسهٔ دینی عاشقانه در قرن هشتم هجری

حامد شکوفگی^۱

چکیده

زیغنون‌نامه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شمارهٔ ۱۴۱۷۲ نگهداری می‌شود که سرایندهٔ آن مسکین محمد بن ابوالخیر متخلص به عاشقی، شاعر سدهٔ هشتم هجری است که اطلاعات ما دربارهٔ او محدود به همان چیزی می‌شود که در این نسخه آمده است. در این منظومه، داستان عشق خیالی محمد بن حنفیه و دختری به نام زیغنون، دختر جنگاور ارم شاه، آمده است. از زیغنون‌نامه به جهت زبانی و عناصر خیالی در سطح بالایی قرار ندارد و منظومه‌ای کاملاً متوسط محسوب می‌شود و بیشتر نظمی از یک داستان خیالی مربوط به شخصیت تاریخی محمد بن حنفیه است تا یک نظم شاعرانه خلاق، اما به هر حال به جهت قدمت (مربوط به قرن هشت و سبک شعر عراقی) و نیز موضوعش - که بیان حماسی عشقی خیالی از یک شخصیت مذهبی است - می‌تواند مورد دقت بیشتری قرار بگیرد.

کلیدواژه: زیغنون‌نامه، عاشقی، مسکین محمد بن ابوالخیر، زیغنون، محمد حنفیه، حماسهٔ دینی

۱. مقدمه

پیوند عشق و حماسه در ادبیات پیوندی قدیمی است. حماسه از دیرباز از انواع مطرح در ادبیات جهان بوده است. در ادبیات فارسی تا پیش از اوج‌گیری و برجستگی ادبیات عرفانی ایران در قرن شش - که تا امروز غنی‌ترین و پربارترین بخش ادبیات کلاسیک منظوم و مثنوی فارسی را به خود اختصاص داده است - شعرا و نویسندگان فارسی‌زبان در حوزهٔ ادبیات حماسی آثار متعددی به نظم و نثر، به‌ویژه در قرن‌های چهارم

و پنجم هجری تألیف کرده‌اند. از طرفی در اولین نمونه‌های شعر بازمانده فارسی دَری در نیمه‌های قرن سوم هجری مضامین تغزلی و عاشقانه در ادبیات به چشم می‌خورد که این مضامین با پیشرفت زبان و صورخیال شعرای فارسی‌زبان در سده‌های بعد پیش می‌رود تا در قرون هفتم و هشتم در قالب غزل‌های عارفانه و عاشقانه مولانا، سعدی و حافظ به اوج خود می‌رسد. «حماسه اصلاً و اساساً از شعر غنایی پدید آمده است و شاهد مثال از ادبیات حماسی جهان را سروده‌های ودا قرار می‌دهد که بر حماسه مهابهارات و رامین مقدم بوده‌اند یا دو حماسه معروف یونان ایللیاد و اودیسه که از منظومه‌های غنایی قبل از خود متأثر بوده‌اند.»^۲

نخستین داستان‌سرایان بزرگ ما مانند فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی گنجوی داستان‌های عاشقانه و بزمی را محملی برای قدرت هنرنمایی ادبی خود در توصیف صحنه‌های عاشقانه بین عشاق در متون فارسی قرار دادند. بنابراین پیوند حماسه و عشق در ادبیات فارسی در موارد متعدد قابل بررسی است، به طوری که لابه‌لای داستان‌های حماسی شاهنامه، آمیختگی داستان‌های با مضامین عاشقانه در کنار شرح جنگاوری پهلوانان ایرانی، داستان‌های دل‌انگیزی مانند داستان زال و رودابه یا بیژن و منیژه و... را به وجود آورده است. «برخی از داستان‌های عاشقانه از میان حماسه‌های بزرگ و شکوهمند به ظهور رسیده‌اند؛ چون داستان‌های عاشقانه زال و رودابه، تهمینه و رستم، بیژن و منیژه، سودابه و سیاوش، گردآفرید و سهراب و... یا داستان عشق‌بازی جمشید با دختر کورنگ‌شاه در گرشاسب‌نامه و ماجرای سام با پری‌دخت در سام‌نامه و داستان سهراب و شهرو در برزونامه که نمونه کاملی از اتحاد و در هم تنیدن رزم و بزم است.»^۳

اما در حماسه‌های دینی که کنار حماسه‌های اساطیری و پهلوانی و حماسه‌های تاریخی، گونه‌ای از حماسه‌ها محسوب می‌شود، اصولاً مباحث «مربوط به زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی است»^۴ و از پیوند این قهرمانی‌ها با ماجراجویی‌های عاشقانه کمتر نشانی می‌بینیم. از قدیمی‌ترین حماسه‌های شیعی و باقی‌مانده موجود، *علی‌نامه* (از سراینده‌های متخلص به ربیع در نیمه دوم قرن پنجم هجری که امروزه قدیمی‌ترین حماسه مذهبی به زبان فارسی شناخته می‌شود)^۵ تا آثار مشهور دیگری مانند *خاوران‌نامه* ابن حسام خوسفی و *حمله حیدری* از بادل مشهدی، معمولاً شرح دلاوری‌ها و قهرمانی‌های پهلوانان مذهبی مورد نظر است و توجه به جنبه‌های عاطفی شخصیت‌های مذهبی به دلایلی مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. معمولاً خاستگاه این حماسه‌های منظوم شیعی را قصایدی می‌دانند که در آن قصاید، گروهی موسوم به مناقیبیان یا مناقب‌خوانان از عهد آل‌بویه، اشعاری در ذکر مناقب امامان شیعه می‌خواندند و مردم بر گرد آنها اجتماع می‌کردند. «همراه این مناقب‌ها حکایاتی هم نقل می‌شد که در آنها از شجاعت‌های حضرت علی - علیه‌السلام - سخن می‌رفت. این کار مقدمه ایجاد داستان‌های قهرمانی و منظومه‌های حماسی دینی درباره ایشان گردید.»^۶ شخصیت محمد حنفیه، یکی از فرزندان علی ابن ابیطالب (ع) یکی از اشخاصی است که در دوره‌های مختلف سرایش منظومه‌های حماسی - دینی مورد توجه ویژه داستان‌پردازان و نویسندگان داستان‌ها و حماسه‌های کلاسیک و حتی عامیانه بوده است. تنها با مراجعه به فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های بزرگ کشور، می‌توان به شمار قابل توجهی از داستان‌های حماسی منظوم و مثنوی برخورد کرد که در دوره‌های مختلف، پیرامون زندگی محمد حنفیه شکل گرفته است. معمولاً از سوی مؤرخان

تاریخ‌های ادبیات فارسی، کمتر اشاره‌ای به این حماسه‌های دینی راجع محمد حنفیه شده است، اما قدمت برخی از این داستان‌ها کنار تعدادشان سبب می‌شود شناساندن این متون به علاقه‌مندان این حوزه، مهم به نظر برسد.

در یکی از این حماسه‌های مذهبی که رویدادهای خیالی اما عاشقانه دوره‌ای از زندگی و شخصیت محمد حنفیه، کنار دلاوری‌های او نمایانده و در قرن هشت هجری به رشته نظم کشیده شده است، پیوند حماسه و عشق در منظومه‌ای خیالی موسوم به *زیغون‌نامه* اتفاق افتاده است. با وجود جذابیت موضوع در نگاه اول که کنار هم جمع شدن حماسه و عشق، آن هم درباره یکی از شخصیت‌های مذهبی و اسلامی، تا آنجا که نگارنده جستجو کرد، نسخه این داستان منظوم قرن هشتمی با این روایت خاص، به صورت تک‌نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۱۷۲ نگهداری می‌شود و در هیچ یک از مجموعه‌های تاریخ ادبیات و تذکره‌های ادبی نام منظومه زیغون‌نامه و حتی نام شاعر آن نیامده است و تنها در فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنخا) و فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، به شماره این نسخه و محل نگهداری آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، اشاره شده است. در این مقاله قصد نگارنده، معرفی این نسخه خطی و نمایاندن گوشه‌ای از جنبه‌های داستانی و ادبی این منظومه قرن هشتم است. به این امید که ذکر آن ضرورت توجه بیشتر پژوهشگران علاقه‌مند به حماسه‌های مذهبی را برای احیاء و نشر این قبیل آثار سبب گردد.

۲. معرفی نسخه زیغون‌نامه و داستان آن

در فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنخا) منظومه فارسی زیغون‌نامه با شماره ۱۴۱۷۲ به اختصار معرفی شده است. «کاتب این نسخه که تاریخ کتابت آن بنا بر نوشته انتهای نسخه، برابر ماه صفر سال ۱۲۲۰ ق. است، محمد افضل فرزند محمد عادل است. خط این دست‌نویس، نستعلیق و حجم آن در صد و پنجاه و هفت برگ است»^۶. این تک نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.^۸ متأسفانه این نسخه به‌ویژه در ابیات پایین صفحات، افتادگی‌هایی دارد و ناخواناست، ضمناً در برخی اوراق آن به نظر می‌رسد، دست برده شده و ابیاتی به آن اضافه شده یا مواردی تغییر کرده است. موضوع این حماسه مذهبی، داستان خیالی عاشق شدن محمد بن حنفیه به دختری به نام زیغون است. نام قهرمان اصلی این منظومه، در لغت‌نامه دهخدا به صورت‌های زیغون و زیفنون ضبط شده است. البته این واژه در *لغت‌نامه دهخدا* نام شهری است در داستان وامق و عذرای عنصری شاعر قرن پنجم. «شهری است در دریا که عذرا را در وی بخواستند کشت»^۹ در *لغت فرس* اسدی طوسی برای واژه زیغون، این بیت از عنصری به عنوان شاهد آورده شده است:

«ز دریا به خشکی برون آمدند / ز بر، بر سر زیغون آمدند»^{۱۰}

در برهان قاطع این واژه به شکل زیغون و بر وزن قیرگون ضبط شده است.^{۱۱} اما زیغون را به هر

شکل نوشتاری که در نظر بگیریم، در زیغون‌نامه مورد بحث ما، نام زنی است که در آغاز داستان، شرح دلاوری‌های پسر حیدر کرار (محمد حنویه) را از زبان پدرش، شاه ارم، می‌شنود و سخت مشتاق نبرد با او می‌گردد. سرانجام در ماجرای رزمی (در نبردی که تا اندازه‌ای یادآور رزم سهراب و گردآفرید در شاهنامه است) دلباخته محمد بن حنویه می‌شود. از طرف دیگر محمد هم که دلاوری و شجاعت زنی را در نبرد با شیرمردان سپاه خود، سخت پسندیده است، علاقه‌مند او می‌شود. داستان منظومه زیغون‌نامه، شرحی است در بیان مشکلاتی که این دو در راه رسیدن به هم متحمل می‌شوند. زیغون باید به جنگ جادوان و دیوان سرزمین‌های خیالی برود و آنها را مسلمان کند.

این منظومه که در بحر هزج مسدس محذوف (و بر وزن عروضی مفاعیلین مفاعیلین فاعلین) است، با این ابیات آغاز می‌شود:

سیر این نامه کنم نام خدای	که نتوان گفتش چون و چرای
خداوند و کریم و خالق پاک	که در ذاتش کسی را نیست ادراک
منزه ذاتش از ادراک مردم	درین حیرت ملایک گشته سرگم ^{۱۲}

شاعر پس از ستایش خداوند به مدح پیامبر اسلام (ص) می‌پردازد و در ادامه در ابیاتی که از الحاقات نساخ و کاتبان به نظر می‌رسد (به دلیل ناهمخوانی با ابیات دیگر) به نعت هر چهار خلیفه بعد از پیامبر می‌پردازد. پس از این مقدمات به سراغ نظم داستان می‌رود:

نویسم قصه شیرین و موزون	ز محمد حنیفه وز عشق زیغون...
خلافت تا به ذالنورین سرآمد	به شرع احمدی شمعی برآمد
شنیدستم به عهدش در دیاری	یکی بود است کافر شهریاری
خطاب نام او شاه ارم بود	که مردی محتشم هم محترم بود
ز دنیا هرچه باید کافران را	ز هر چیزی فراوان بودشان را ^{۱۳}

این پادشاه کافر کیش دوره خلیفه سوم، دارای دختری زیغون نام بود که زیبایی‌اش در این منظومه به این شکل توصیف می‌شود:

چه دختر شیرپیکر عرف زیغون	مه خورشید زو فرش همایون
نگاری دلبری چابک‌سواری	دو چشمش آهوی مردم‌شکاری
گران‌مه، روی خود در شب نمودی	نمودن با قمر حاجت نبودی
به روز اندر، چو زلف خود گشادی	به گرد ماهتابان شاد بودی ^{۱۴}

پس از کش و قوس‌هایی نهایتاً زیغون و محمد عاشق هم می‌شوند و بعد از این، داستان تلاشی است که زیغون و محمد بن حنویه در راه رسیدن به هم در پیش می‌گیرند. زیغون برای رسیدن به محمد حنویه

مجبور است با کمک سپاهی از اصحاب پیامبر اسلام (ص) با غولان و جادوان جنگ کند و به مصایب زیادی دچار شود. او با پریان، غولان و دیوان روبه رو می‌شود و برای مسلمان کردن آنها به سرزمین آنها لشکر می‌کشد:

دگر فرمودشان کای قوم جادو
به هرزشتی که دارید این سیه‌رو...
کنید این صورت خوب آشکارا
همه خدمت کنید اصحاب ما را...
نخستین می‌کنم بر جمله اعلام
که در دین نبی آرید اسلام
که تا یابید از دوزخ رهائی
وزین تاریخ، روی روشنائی^{۱۵}
در نهایت پس از طی همهٔ مرارت‌ها، زیغون به محبوب خود، پسر حیدر کرار (محمد حنویه)، می‌رسد:

که زیغون بعد ازین، جز عیش کاری
نخواهد دید دیگر کارزاری
که اکنون شد چو جفتِ شیر اکبر
چرا او جنگ سازد بار دیگر
دگر این جنگ‌های مصلحت بود
که او افسانه‌های خویش بنمود^{۱۶}
شاعر لابه‌لای حوادث این داستان از بیان تعالیم اخلاقی غافل نمانده است و به مناسبت برخی احادیث نبوی که می‌آورد، حکایاتی را هم به عنوان تمثیل در منظومهٔ خود می‌گنجاند. مثلاً دربارهٔ جایگاه والای مادر نزد پیامبر (ص)، حدیثی از ایشان می‌آورد:

که جنت زیر پای امّهات ست
ز دوزخ عاق را گو چون مخاف ست
چو جنت در رضای مادران ست
نجات ما رضای مادران ست^{۱۷}
و در ادامه، داستان جوانی را می‌آورد که در گور ناله و زاری سر می‌دهد و پیامبر از این عذاب او آگاه می‌شود:
شنیدستم نبی می‌رفت در راه
که از گوری برآمد ناله و آه
همی کرد است شخصی آه‌وزاری
ز پیغمبر خدا می‌جست یاری^{۱۸}
جبریل از طرف خداوند بر پیامبر (ص) نازل می‌شود و عذاب گور او را (با همه پارسایی که جوان در زندگی خود داشته است)، ناشی از آزاری می‌داند که روزی به مادر خود رسانده است:

مگر روزی ورا شیطان کمین شد
شب و روزش به دنبال همین شد
که روزی مادر خود را برنجاند
ورا مادر ز غصه دوزخی خواند^{۱۹}

از مشخصات ظاهری منظومهٔ زیغون‌نامه، قرار گرفتن عبارت «لا اله الا الله، محمد رسول الله» است که حکم عنوان برای قطعهٔ بعدی داستانی را دارد که بعد از آن می‌آید و در واقع شاعر با این عبارت بین قطعه‌های مختلف داستان جدایی انداخته است. از ویژگی‌های دیگر این منظومه این‌که در انتهای هر قطعه

این داستان، یک رباعی آمده که در ابتدای همه آنها «در این شب متبرک» تکرار می‌شود. مانند این رباعی که آخرین رباعی منظومه است:

درین شب متبرک ز بعد استغفار
بگو هزار درود به خواجۀ مُختار
صفات آل محمد، چو عاشقی بنمود
کُنش قبول خدا یا! هر آنچه گفت بشنود^{۲۰}

این منظومه بنابر توصیۀ مراد معنوی شاعر - که توصیف آن در انتهای داستان آمده - به سال ۷۸۰ هـ در حدود ۳۹۰۰ بیت، سروده شده است.

۳. عاشقی؛ سراینده زیغون‌نامه

درباره سراینده این حماسه مذهبی اطلاعات ما ناچیز، بلکه محدود به همان مواردی است که در منظومه آمده است. در فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنخا) نام شاعر منظومۀ زیغون‌نامه، مسکین محمد بن ابوالخیر، متخلص به عاشقی آمده است و آن را شاعر قرن هشتم دانسته است.^{۲۱} در تاریخ ادبیات فارسی و تذکره‌های موجود، مشهورترین شاعری که تخلصی نزدیک به عاشقی داشته باشد، عاشق اصفهانی، از شعرای دوره بازگشت است و قطعاً نمی‌تواند سراینده منظومۀ زیغون‌نامه در قرن هشتم باشد.^{۲۲} اما در تذکرۀ عرفات/العاشقین و عرصات/العارفین از تقی‌الدین بلیانی، به چند شاعر با تخلص عاشقی برمی‌خوریم:

یکی مولانا عاشقی است که صاحب تذکره عرفات/العاشقین درباره او ستایشی کرده و نمونه شعری از او به دست داده است: «و دیگری از آن جمع اسم و مسمای عشق و عاشقی، مولانا عاشقی بوده که از عاشقان معروف و صادقان مشهور است. اشعار عاشقانه‌اش با نمک محبت آمیخته و گوهر بیانش از غربال حلاوت بیخته.»^{۲۳}

دیگری مولانا عاشقی، اهل تربت است: «مولانا عاشقی از ولایت تربت است. مردی عامی بود و به کفش‌دوزی اشتغال داشت. او راست:

باز آتشم در جان زده، مهر پری رخساره‌ای
دلگرم می‌دارد مرا، سودای آتش‌پاره‌ای»^{۲۴}

بلیانی از عاشقی دیگری در تذکره خود نام می‌برد که سیستانی است و از اهل روزگار مؤلف: «یکی از جمله آنها مولانا عاشقی سیستانی بوده که اکنون هم از افراد این زمان است.»^{۲۵}

با توجه به اینکه تذکرۀ عرفات/العاشقین در سال ۱۰۲۲ هجری درباره سرگذشت و گزیده اشعار ۳۴۹۲ شاعر در آگره هند تألیف شده است،^{۲۶} این عاشقی اخیر هم نمی‌تواند سراینده منظومۀ زیغون‌نامه باشد. بنابراین به نظر می‌رسد منابع خارج از این منظومۀ شعری با توجه به کلی‌گویی‌های تذکره‌نویسان که تنها نمونه‌های شعری شعرای با تخلص عاشقی را آورده‌اند، کمک زیادی در ای باره نمی‌کنند و به ناچار برای به دست آوردن اطلاعات زندگی‌نامه‌ای از سراینده این منظومه، باید به سراغ متن موجود زیغون‌نامه برویم. شاعر در انتهای منظومه، نامش را بدین گونه آورده است:

الا ای طالب دیدار غفار
 ز من مسکین محمد، بن ابوالخیر
 چه آمرزش همی‌خوانی ز ستار
 که من هم خود غلام خاندانم
 شنو گر عاقبت خواهی مع‌الخیر
 مریدی از مریدان سیدانم^{۲۷}

شاعر در موارد دیگری هم، تخلص شعری خود را به صراحت بازگو می‌کند:

شنو یک داستانی ابن کزار
 یا در جای دیگری می‌آورد:
 ز مسکین عاشقی‌ای مرددیندار^{۲۸}

به سوی عاشقی مسکین نه کینه
 بنه یکدم دو گوش از سوز سینه^{۲۹}

در انتهای منظومه، شاعر در بیان رؤیایی، پیر خود را یاد می‌کند که خطاب به ساقی مَهر و نام مرید و شاعر را محمد می‌نامد:

دگر فرمود آن شیخ مُعمر
 محمد را به حق از دست مگذار
 بر آن ساقی که ای محبوب دلبر
 خدا را دوستدار خویش پندار^{۳۰}

در همین بخش از منظومه، بار دیگر تخلص شعری‌اش را به صراحت ذکر می‌کند:

از آن مسکین محمد، عاشقی نام
 بکرد از نثر قصه نظم اتمام^{۳۱}

بنابراین نام کامل شاعر زیغون‌نامه، مسکین محمد ابن ابوالخیر عاشقی است و این نام از ابیات منظومه آشکار می‌شود. اما شاعر درباره‌ی منطقه‌ی زندگی و تولد خود، اطلاعات تاریخی و جغرافیایی خاص دیگری به دست نمی‌دهد، جز اینکه در بخش انتهایی منظومه، درباره‌ی گذشته سلوک خود و پیران عرفانی‌اش ابیاتی را نظم کرده است. عاشقی خود و شیوخ طریقت خود را از مریدان پیامبر اسلام و اهل بیت او می‌داند و ارادت به خاندان پیامبر را بارها افتخار خود می‌داند و این می‌تواند دلیلی بر گرایش‌های عرفانی او و البته تمایلش به تشیع باشد:

ازین قصه دعاگو این غرض داشت
 که حب خاندان را خود عرض داشت^{۳۲}

محمد عاشقی خوانند ما را
 غلام خاندانِ مصطفی را^{۳۳}

ما در چند بیت از خود به حدیث «اصحابی کالتجوم، بایهم اقتدیتم اهتدیتم»، اشاره دارد که معمولاً شیعیان امامی آن را معتبر نمی‌دانند یا تأویلی برای آن قایل می‌شوند:

بایهم اقتدیتم اهتدیتم
 سبیل الحق هذا ان رایتُم

نبی تا اهتدیتم قول فرمود
 دگر مصراع را شاعر بیفزود^{۳۴}

درباره‌ی مذهب شاعر می‌توان به چند بیت ابتدای منظومه توجه کرد که در آنها مدح خلفای اربعه آمده است که نشان می‌دهد احتمالاً سراینده‌ی آن نمی‌تواند شیعه باشد، اگرچه با دقت در نسخه‌ی کتابخانه مجلس،

احتمال الحاقی بودن ابیاتی که در مدح خلفای ثلاثه آمده است، تقویت می‌شود؛ چراکه چند بیت مرتبط با خلفای سه‌گانه، خطی متفاوت از سایر ابیات دارند. بنابراین دلایل شیعه بودن شاعر بیشتر تقویت می‌شود. یک اشاره تاریخی مهم درباره تاریخ نظم و زندگی شاعر، از بیت زیر مستفاد می‌شود و نشان می‌دهد این منظومه در قرن هشتم هجری سروده شده است:

چو شد قصه ز نشر، این نظم‌بنیاد	زهجرت سال هفصدبودوهشتاد ^{۳۵}
شاعر از چند مراد و پیر خود در عرفان نام می‌برد که نشان دهنده گرایشات عرفانی اوست:	
حبیب الله بن شیخ جمال است	که جدش خادم سید جلال است
بزرگ شیخ عبدالله نام است	نکو کاری که او مشهور عام است ^{۳۶}
در صفحه بعد، از دو پیر دیگر خود نام می‌برد:	
مَزین العابدین شیخ جهان ست	که اکنون در جهان قطب زمان است ^{۳۷}
دگر بشنو ز من ای مرد ساده	صفات حضرت مخدوم زاده
که نامش شیخ صدرالدین بخوانند	که او را اولین شیخ دانند
جوانی خوش‌لقای روی انوار	ز خورشید و مه رویش منور ^{۳۸}

پس در این منظومه نام چهارتن از مشایخ عاشقی، سراینده زیغون‌نامه، آمده است: حبیب الله ابن جمال، شیخ عبدالله، زین العابدین قطب زمان و شیخ صدرالدین که همگی از عرفای قرن هشتم بوده‌اند.

۴. جنبه تاریخی زیغون‌نامه

یکی از دو شخصیت اصلی داستان زیغون‌نامه محمد بن حنفیه است که شخصیتی تاریخی و از فرزندان مشهور علی بن ابیطالب (ع) است. برای شناخت بیشتر این شخصیت باید به منابع دست اول و معتبر تاریخی مراجعه کرد؛ اما از آنجا که برای تعیین جایگاه تاریخی مطالب داستان زیغون‌نامه آشنایی با جایگاه محمد حنفیه در تاریخ قرن اول هجری ضروری به نظر می‌رسد، مطالبی درباره او هرچند به اختصار می‌آوریم. محمد بن حنفیه پسر علی بن ابیطالب (ع) از کنیزی به نام خوله از قبیله بنی‌حنیفه است که در جنگ یرموک اسیر شد و به مدینه آمد. محمد در سال ۱۶ هجری متولد گردید. شخصیت محمد بن حنفیه در طول تاریخ اسلامی بین معتقدن و منتقدان او بحث‌انگیز بوده است. اگرچه محمد بن حنفیه از خاندان پیامبر اسلام (ص) نبود، ولی خواسته یا ناخواسته درگیر منازعات سیاسی بعد از شهادت پدرش، علی بن ابیطالب (ع) شد.

به نظر می‌رسد شخصاً بعد از شهادت پدرش قصد ورود به عرصه سیاسی را نداشت، اما به دلیل جایگاهی که در جامعه اسلامی به عنوان فرزند آن حضرت داشت، مورد توجه قرار می‌گرفت. در کربلا حضور نداشت، اما خصوصاً مورد رجوع بسیاری از شیعیان پس از وقایع عاشورا و جنبش‌هایی که به قصد خوانخواهی از

قاتلان امام حسین (ع) صورت گرفت، قرار می‌گرفت. «مختار چون از جانب امام علی بن الحسین می‌بوس شد، دعوت خود را به نام محمد بن حنفیه آغاز کرد و او را مهدی اَمّت خواند. کسانی که به امامت محمد گردن نهادند، به کیسانیه معروف گشتند.»^{۳۹} اما محمد به صراحت مختار را نه تأیید کرد و نه انکار، اگرچه مختار ثقفی سعی کرد از سکوت محمد حنفیه رضایتش را درباره خود برداشت و ترویج کند. «محمد حنفیه هم از دعاوی او بیمناک و پشیمان گشت. اما از بیم آنکه تنها نماند و به دست ابن زبیر گرفتار نشود، از طرد و لعن او که بدان مصمم گشته بود، خودداری کرد.»^{۴۰} در سال‌های بعد از سقوط مختار و کشته شدن خلیفه زبیری در سال ۷۳ ق. با توجهی که درباره اجماع خلیفه داشت، به سمت خلیفه مروانین گرایش پیدا کرد و در نهایت در سال ۸۱ هجری در مدینه درگذشت. اما پیروان او پس از رحلتش همچنان او را زنده می‌دانستند و تصور می‌کردند که روزی باز خواهد گشت. «چون محمد به سال هشتاد و یکم هجری در طایف درگذشت، پیروان او که کیسانیه لقب داشتند، گفتند محمد نمرده است و در کوه رصوی نزدیک مدینه به سر می‌برد و خوراک او از عالم غیب بدو می‌رسد و هرگاه خدا بخواهد آشکار خواهد شد.»^{۴۱}

شخصیت تاریخی محمد حنفیه امری مسلم است، اگرچه قضاوت درباره شخصیت او در تاریخ اسلامی بین منتقدان و مؤمنان متعصب او متفاوت بوده است، اما آنچه در این مقاله مد نظر ماست، اینکه در هیچ یک از منابع معتبر تاریخ اسلامی، رویدادی عاشقانه که بین او و دختری به نام زیغون رخ داده باشد، ثبت نشده است. درباره شخصیت تاریخی زیغون تا جایی که نگارنده جستجو کرد، در منابع تاریخی معتبر اعلام تاریخ اسلام، شخصیتی به این نام ثبت نشده است.^{۴۲} اگرچه در منظومه عاشقی، ماجرای عاشقانه زیغون، دختر شاه ارم و محمد حنفیه، فرزند علی بن ابیطالب (ع) مربوط به زمان خلافت عثمان بن عفان خلیفه سوم است که هیچ یک از کتب تاریخی آن دوره این موضوع را تأیید نمی‌کند. بنابراین قطعاً وجود او ساخته و پرداخته داستان‌پردازان دوره‌های بعد بوده است. اما این سؤال پیش می‌آید که آیا عاشقی در قرن هشت خود خالق شخصیت ساختگی زیغون و عشق خیالی بین او و محمد حنفیه بوده است یا از روی منابعی به نظم این داستان اقدام کرده است؟ و اگر نظم این داستان بر اساس منابع پیش از او بوده است، آن منابع کدامند؟ از آنجا که شخصیت محمد حنفیه در تاریخ اسلامی خصوصاً بعد از وفاتش تا اندازه‌ای محل بحث بوده و به عنوان یکی از فرزندان دلاور امام علی (ع) همواره به شجاعت و جنگاوری مشهور بوده است، در دوره‌های شکل‌گیری حماسه‌های مذهبی به عنوان یکی از قهرمانان ادبی این حماسه‌های نظم و نثر دینی به مخاطبان خود شناسانده می‌شده است. شمار قابل توجه داستان‌هایی که به نظم و نثر درباره این شخصیت وجود دارد، نشان‌دهنده اقبال عمومی مناقب‌خوانان و علاقه‌مندان به حماسه‌های دینی در قرون شکل‌گیری این حماسه‌هاست. اگرچه در متن زیغون‌نامه به منبع مشخصی اشاره نشده است، اما عاشقی در چند مورد و گویا به صورت کلی از منبعی با عنوان جنگ‌نامه که منشور هم بوده است، یاد می‌کند:

بدیدم در سواد جنگ‌نامه
 از آن مسکین محمد، عاشقی نام

دُر افشائیدم از دریای خامه^{۴۳}
 بکرد از نثر قصه، نظم اتمام^{۴۴}

در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران به چندین مورد با نام جنگ‌نامه برمی‌خوریم^{۴۵} که با توجه به مختصر بودن اطلاعات ما دربارهٔ این جنگ‌نامهٔ ادعایی شاعر، تعیین قطعی منبع و سرایندهٔ آن دشوار است. پیش‌تر گفتیم پس از قدرت گرفتن حکومت ایرانی آل‌بویه حماسه‌های مذهبی که شرح رشادت‌های شخصیت‌های دینی است، توسط دسته‌ای از داستان‌پردازان و ستایشگران مذهبی رونق گرفت و تا قرن هشت مجموعه‌ای از این داستان‌ها با نام عمومی جنگ‌نامه بین مناقب‌خوانان وجود داشته و احتمالاً شاعر زیغون‌نامه به یکی از این روایت‌های جنگ‌نامه دسترسی پیدا کرده است. «مناقیبان یا منقبت‌خوانان که ستایشگران ائمه شیعه بودند و از زمان آل‌بویه- خاندان ایرانی‌نژادی که از ۳۲۰ تا ۴۴۸ هجری در ایران و عراق حکمروایی داشته‌اند- به وجود آمدند و آغازگر سرودن اشعار مذهبی در ایران هستند و اغلب اشعارشان در ستایش امامان شیعه علیه‌السلام و مغازی بنی‌هاشم است.»^{۴۶}

بنابراین فعلاً تنها می‌توان گفت شاعر منبع یا منابعی منثور را که نام یکی از آنها جنگ‌نامه بوده است، در منظوم کردن این داستان پیش روی داشته است؛ اما اینکه چه اندازه تخیل شاعر در پروردن داستان به شکل موجود و حذف و اضافات صحنه‌ها یا شخصیت‌های آن اثر داشته است، تا رسیدن به منبع قطعی بر ما پوشیده است.

۵. جنبهٔ ادبی زیغون‌نامه

پیش‌تر گفتیم داستان عاشقی محمد بن حنفیه و زیغون، یک رخداد تاریخی نیست و ساخته و پرداخته ذهن داستان‌پردازان دوره‌های مختلف است و عاشقی یکی از این روایت‌ها را در قرن هشتم به نظم کشیده شده است. اما از آنجا که مجموعه‌ای از دلاوری‌ها و جنگاوری‌های یک قهرمان مذهبی (محمد حنفیه) را توصیف کرده، یک منظومهٔ حماسی مصنوع محسوب می‌شود. «در این داستان‌ها شاعران آزاد و مختارند با رعایت قواعد و قوانینی که برای شعر حماسی در میان است، هر گونه بخواهند موضوع داستان خویش را ابداع کنند و تخیل خود را در آن دخیل سازند.»^{۴۷} اما زیغون‌نامه عاشقی حماسهٔ دینی است از این جهت که این حماسه‌ها از لحاظ محتوا و درونمایه ویژگی‌هایی دارند که اهم آنها عبارتند از: «نخست اینکه سراینده‌گان آنها شاعران دین‌باورند که قهرمان آثار خویش را از میان شخصیت‌های دینی... انتخاب کرده‌اند. دوم، اینکه به قدرت خیال و گاه همراه با غلوه‌ها و اغراق‌های شاعرانه که از لوازم رخدادها و شعر حماسی است، همچنین با وارد کردن موجوداتی چون دیو، جن، پری و فرشته در برخی از صحنه‌های داستان‌های ساخته شده خود... آثار جالبی را خلق کرده‌اند که هرچند محتوای آنها از واقعیت‌های تاریخی دور است و گاهی با کارهای فوق‌العاده و معجزگونه یا خرافات آمیخته است، اما دارای این مزیت معنوی است که آکنده از عواطف لطیف دینی و سجایای اخلاقی و دستورالعمل‌های آموزنده است.»^{۴۸} زیغون‌نامه اگرچه به عنوان یک حماسی دینی مصنوع بر اساس روایت‌های مستند تاریخی تنظیم نشده است، اما از جنبه‌های ادبی قابل بررسی است. در مرحله اول زیغون‌نامهٔ عاشقی یک قصه و داستان عاشقانه است که درباره یک شخصیت تاریخی و مذهبی ساخته شده است. به جهت روایی این داستان آغازی دارد و پس از یک سلسله جنگ‌های

خیالی که در سرزمین دیوان و پریان رخ می‌دهد، با پایان خویش وصال عاشق و معشوق پایان می‌یابد. نویسم قصه شیرین و موزون
ز محمد حنیفه وز عشق زیغون^{۴۹}
توصیفات صحنه‌های مختلف در این داستان از وصف دل‌انگیز شاعر از دختر شاه ارم که همان زیغون است، آغاز می‌شود؛ وصف دختری به غایت زیبا و پارسا که شوهر اختیار نمی‌کند و در همان حال بسیار زورمند و شجاع است:

نگاری دلبری چابک‌سواری	دو چشمش آهوی مردم‌شکاری
گر آن‌مه روی خود در شب نمودی	نمودن با قمر حاجت نبودی...
چه نسبت مشک را با زلف‌هایش	وگر دعوی کند باشد خطایش
به گرد هر سه مویش دود چین	به گرداگرد رویش ماه و پروین
نه اندر پارسایی مثل او کس	گواهی حسن خوبی هم بر او بس..
ز شوهر گر کسی نامش گرفتی	همان دم از نفس کامش گرفتی
که زیغون پارسا بودست و هوشیار	دگر حق داده بودش زور بسیار ^{۵۰}

اولین جنگاوری زیغون در این داستان با دو جوان از سپاه محمد حنیفه هستند که زیغون به اشتباه او را فرزند حید کرار می‌داند، اما خیلی زود متوجه می‌شود آن دو جوان از سپاهیان محمد حنیفه بوده‌اند و نه خود او. توصیفات زیبای داستان فراوان است، چه در لحظه‌های بزمی و چه در رخدادهای رزمی. در شکستی که از دو جوان سپاهی اسیر نزد ارم شاه (پدر زیغون) می‌افتد، پدر دختر بریدی را برای استمداد از دختر جنگاور خود روانه می‌کند، این توصیف اوست از صحنه رویایی آن دو جوان با سپاه خود:

که ما امروز از بهر تماشا	برون کردیم از قید، آن دو رعنا
که تا لختی تفرج آزمائیم	دگر زانها ز قالب جان ربائیم
کنون هر دو جوان فوجی برافکند	که لشگر چون رمه، ایشان چو گرگ‌اند
هر آن جنگی به ایشان شد حواله	به نزد شیر بودی چون غزاله ^{۵۱}

یا در توصیف قصری که زیغون به آنجا می‌رسد، شاعر در بیان شاعرانه خود آن را با بهشت شداد بن عاد در داستان‌ها مقایسه می‌کند:

که گر اوصاف آن منظر نویسم	مگر یک دفتر دیگر نویسم
خدا آن قصر را نامش نهاده	همی‌خوانند قصر شاهزاده
درون قصر یک تختی است از زر	همی‌گویند تختی شیر اکبر
شنو باری نظیری وصف آن تخت	چو از لعل و جواهر شد در او سخت

شنیدستی ز کس تخت سلیمان	که آن را ساخته بودند دیوان
اگرچه دو تخت روان بود	بسی چیزی در او از این و آن بود
دگر بلیس را بودست تختی	که آن بودست هم از سنگ سختی
ز وصفش مشو دگر عقل سر کم	ولیکن ساخته بودند مردم ^{۵۲}

از آنجا که یکی از راه‌های سنجیدن میزان ادبیت یک داستان منظوم، بررسی صورخیال شاعرانه در آن داستان است و بی‌آنکه زبان مجازی یک اثر منظوم را سنجید نمی‌توان درباره ادبیت آن نظر درستی داد، باید داستان زیغون‌نامه‌ای که عاشقی آن را به نظم کشیده است، منظومه‌ای ضعیف و خالی از صورخیال بدیع و تازه بدانیم. داستان با روایتی آرام و بیانی که در اغلب موارد خالی از هر نوآوری در عرصهٔ ایماژهای تصویری است، پیش می‌رود و اندک استعاره‌هایی که در طول داستان با آن مواجه می‌شویم، از موارد زیر فراتر نمی‌رود:

درجه پرستاران زیغون‌گاه و بیگاه	همه چون اختران، پیراُمَنِ ماه ^{۵۳}
چو کاتب مشک بر کافور افشاند	به نام خالق الخاقان سخن راند ^{۵۴}
چو گوئی عشق راه نامرادی ست	نهال صبر و غم را میوه شادی ست ^{۵۵}
ولی فضا ز سوز دل همی‌گفت	ز هر اشکی دُر ناسفته می‌سفت ^{۵۶}
اگر نور خرد تابان نباشد	کجا تاریک دل، حق را شناسد ^{۵۷}
چو آن سرو قدِ عرعر اندام	دو چشم مست او غلطان چو بادام ^{۵۸}

در حالی که چون فضای داستان در مواردی در سرزمین غولان و جادوان پیش می‌رود، شاعر می‌توانست شگفتی‌ها و عجایب آن را محملی برای نشان دادن قدرت خلاقیت و نوآوری شاعرانه خود سازد، اما از صنایع بدیعی بسیار بسیار کم بهره برده است. به همین دلیل خواننده پس از خواندن چند صفحه از این منظومه با توجه به فضای خیالی آن و بیان خالی از شگردهای بلاغی، احساس ملالت می‌کند. نقاط اوج بیان شاعرانهٔ عاشقی در صحنه‌هایی است که تا اندازه‌ای رنگ بزمی به خود می‌گیرد، اما در این موارد هم نمی‌توان صورخیال چشمگیری در داستان او دید. مثلاً در انتهای داستان که محمد و زیغون پس از ماجراهایی به وصال هم می‌رسند، شاعر صحنهٔ این وصال را این‌گونه توصیف می‌کند:

سحرگاهی که آن خورشید تابان	چو یوسف شد برون از چاه زندان
قبائی قرمزی در بر بیوشید	که صبح از پرتوی رویش بخندید
زلیخاوار شب از طلعت وی	لباس قیرگون را کرد خود طی
که شب رفته، برآمد روز پیدا	شده شیون‌نهان، شادی هویدا ^{۵۹}

در کل باید گفت منظومه حماسی - خیالی زیغون‌نامه از نظر صورخیال - که در تعیین ادبیت هر اثری از اهم موارد ارزش‌گذاری به حساب می‌آید - اثری ضعیف و خالی از ابتکار و خلاقیت‌های شاعرانه محسوب می‌شود. صنایع و آرایه‌های ادبی بدیعی که باعث افزایش موسیقی کلام و اثرگذاری بیشتر بر مخاطب می‌شود، در زیغون‌نامه اندک است، آرایه‌های هنرمندانه‌تر بدیعی مانند ایهام در این کتاب بسیار نادر است: اشتقاق:

چو اندر عاشقی گشتند صادق به حکم عشق شد معشوق و عاشق^{۶۰}

مراعات نظیر:

چه گر بر حس یوسف شد زلیخا چو بلبل بر رخ گل مست و شیدا^{۶۱}

واج‌آرایی:

بگفت این سی هزاره عادیان را که گرداگرد گیرید این جوان را^{۶۲}

واج‌آرایی:

چو او را شوق بر افسانه می شد خرد از عشق او دیوانه می شد^{۶۳}

ازدواج:

مر او را عاشق صادق بخوانیم کنارش کرده در بستر نشانیم^{۶۴}

تکرار:

ولی نه هفته و نه ماه و نه سال همه وقت و همه عمر و همه حال^{۶۵}

لف و نشر:

به خودبند این زبان هم چشم هم گوش ببین و بشنو و خوش باش و خاموش^{۶۶}

داستان این حماسه دینی شرح دلاوری‌های زیغون و محمد حنفیه است که انتظار می‌رود از اغراق شاعرانه بیشترین بهره را بگیرد، اما در مجموع این منظومه کمک‌چندانی به افزایش فضای حماسی داستان نکرده است و خواننده غالباً آن را داستانی می‌یابد که تنها در سرزمین پریان پیش می‌رود، بی‌آنکه دچار شگفتی خاصی شود:

سر کفّار را چندان بریدند که با خون غرق در دوزخ رسیدند

اگر گریزی زدند بر سر فیل شدی مر پیلبان را جامه در نیل

معادی گر یکی شمشیر راندی ز خونس زره در تن نماندی^{۶۷}

چنان خورده طپانچه دیو بر روی که دندانش برون جسته دگر سوی^{۶۸}

نتیجه‌گیری

منظومه زیغون‌نامه، از شاعری با نام عاشقی، سروده قرن هشتم هجری است. این اثر داستان جنگاوری‌های محمد حنفيه و دختری به نام زیغون برای رسیدن به وصال است که این جنگ‌ها با جادوان و پریان سرزمین‌های افسانه‌ای رخ می‌دهد. تک نسخه این حماسه دینی که به شماره ۱۴۱۷۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و تنها در فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنخا) به آن اشاره و در هیچ منبع دیگری نامی از آن برده نشده است. یکی از دلایل این گمنامی می‌تواند ضعف ادبی و شاعرانه این منظومه باشد، اما به جهت قدمتش که متعلق به قرن هشتم هجری است و در آن داستان عاشقانه و حماسی محمد حنفيه را روایت می‌کند، می‌تواند به عنوان یکی از حماسه‌های دینی قرن هشتم مورد توجه بیشتر پژوهشگران این قبیل آثار باشد.

منابع

- ابومنصور، اسدی طوسی، لغت فرس، تصحیح عباس اقبال، چاپخانه مجلس، ۱۳۱۹.
- خلف تبریزی، محمدحسین، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- بلیانی دقافی، تقی‌الدین محمد، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، مقدمه، تصحیح و تحقیق سیدمحمسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۰.
- درایتی، مصطفی، دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- ذوالفقاری، حسن، یکصد منظومه عاشقانه فارسی، نشر چرخ، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- ربیع، علی‌نامه، تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی، تهران، میراث مکتوب، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- رزمجو، حسین، قلمرو ادبیات حماسی ایران (جلد اول)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.
- زرکلی، خیرالدین، الأعلام، بیروت، دار العلم، ط الثامنة، ۱۹۸۹.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، دو قرن سکوت، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
- زیغون‌نامه، عاشقی، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۱۷۲، کتابت محمد افضل به تاریخ ۱۲۳۱.
- سعادت، اسماعیل (سرپرست)، دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول ۱۳۹۱.
- شهیدی، سیدجعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چهارم ۱۳۸۷.
- صفا، ذبیح‌الله، حماسه‌سرایی در ایران، تهران، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، ۱۳۳۳.

پی‌نوشت‌ها:

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان
۲. ذوالفقاری، یکصد منظومه عاشقانه فارسی، ص ۲۰.
۳. همان.
۴. رزمجو، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۷۷.
۵. ربیع، علی‌نامه، مقدمه.
۶. رزمجو، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۸۱ و ۸۲
۷. درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، جلد ۱۴، ص ۲۶۰.
۸. درایتی، فهرست دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۴، ص ۱۰۸۱.
۹. دهخدا، لغت‌نامه، مدخل زیغون.
۱۰. اسدی طوسی، لغت فرس، ص ۴۰۴.
۱۱. خلف تبریزی، برهان قاطع، ج ۲، ص ۱۰۵۳.
۱۲. زیغون‌نامه، عاشقی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۷.
۱۳. همان، ص ۸.
۱۴. همان، ص ۹.
۱۵. همان، ص ۱۲۷.
۱۶. همان، ص ۱۳۳.
۱۷. همان، ص ۹۹.
۱۸. همان.
۱۹. همان، ص ۱۰۰.
۲۰. همان، ص ۱۵۹.
۲۱. درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، جلد ۱۴، ص ۲۶۰.
۲۲. سعادت، اسماعیل (سرپرست)، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۴، ص ۵۳۶.
۲۳. بلیانی، عرفات العاشقین، ج ۴، ص ۲۵۵۳.
۲۴. همان، ص ۲۴۵۹.
۲۵. همان، ص ۲۲۵۳.
۲۶. سعادت، اسماعیل (سرپرست)، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۴، ص ۶۰۸ - ۶۱۱.
۲۷. زیغون‌نامه، عاشقی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۱۵۹.
۲۸. همان، ص ۳۷.
۲۹. همان، ص ۸۸.
۳۰. همان، ص ۱۶۱.
۳۱. همان، ص ۱۶۳.
۳۲. همان، ص ۱۶۴.

۳۳. همان، ص ۶۴.
۳۴. همان، ص ۱۶۲.
۳۵. همان، ص ۱۵۹.
۳۶. همان، ص ۱۶۰.
۳۷. همان، ص ۱۶۲.
۳۸. همان، ص ۱۶۳.
۳۹. شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۲۰۷.
۴۰. زرین کوب، دو قرن سکوت، ص ۹۵.
۴۱. شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۲۳۹.
۴۲. زرکلی، الاعلام، ج ۳.
۴۳. زیغون‌نامه، عاشقی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۳۷.
۴۴. همان، ص ۱۶۳.
۴۵. درایتی، فهرست دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۳، ص ۹۹۹ - ۱۰۰۲.
۴۶. رزمجو، قلمرو ادبیات حماسی ایران، ص ۲۲۵.
۴۷. صفا، حماسه‌سرایی در ایران، ص ۶.
۴۸. رزمجو، قلمرو ادبیات حماسی، ص ۲۱۷.
۴۹. زیغون‌نامه، عاشقی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۸.
۵۰. همان، ص ۹.
۵۱. همان، ص ۱۵.
۵۲. همان، ص ۸۹.
۵۳. همان، ص ۱۰.
۵۴. همان، ص ۱۰۶.
۵۵. همان، ص ۱۳۲.
۵۶. همان، ص ۳۹.
۵۷. همان، ص ۴۱.
۵۸. همان، ص ۱۶۰.
۵۹. همان، ص ۱۳۴.
۶۰. همان، ص ۱۱۰.
۶۱. همان، ص ۳۱.
۶۲. همان، ص ۳۲.
۶۳. همان، ص ۴۰.
۶۴. همان، ص ۸۵.
۶۵. همان، ص ۸۵.
۶۶. همان، ص ۴۰.
۶۷. همان، ص ۱۴.
۶۸. همان، ص ۱۳۱.